گذری بر ورود رشته های نوین و ایجاد نخستین باشگاه‌های ورزشی در ارض اقدس

روایت پیشگامی مشهد در ورزش نوین





عکس ها از آلبوم شخصی خاندان زوار گرفته شده است

حسین نخعی‌شریف| در سال‌های ابتدایی سده ۱۴خورشیدی، وقتی جمعیت مردم ارض‌اقدس از ۱۳۰هزار نفر تجاوز نمی‌کرد، ورزش برای مشهدی‌ها ناشناخته و غریب بود. آن‌ها هم مثل سایر مردم ایران، تنها با اسب‌سواری، کشتی پهلوانی و تاحدودی شنا آشنا بودند و به همین دلیل وقتی انجام ورزش در مدارس اجباری شد، خیلی‌ها درمقابل آن موضع گرفتند. رفته‌رفته تلاش جمعی علاقه‌مند و عاشق رسمی و غیررسمی ورزش، باعث شد این مقاومت شکسته شود و رشته‌های ورزشی نوین، آرام‌آرام جای خود را میان جوانان باز کنند. در این گزارش تلاش کرده‌ایم با مرور روزهای تلخ و شیرین گذشته تاریخ ورزش مشهد و خراسان، سوای آشنایی، ادای دینی کنیم به کسانی که عاشقانه و خالصانه در این راه مبارزه کردند.

مشهد؛ پیشگام در ورزش نوین

برابر اسناد و اخبار مطبوعات قدیمی، مشهد در بسیاری از رشته‌های نوین ورزشی پیشگام بوده است و این پیشگامی را در چند عامل می‌توان جست‌وجو کرد که اهمیت شهر مشهد از نظر جغرافیایی، وجود کنسولگری انگلیس و همچنین حضور پررنگ روس‌ها در این خطه در اواخر دوران قاجار و پهلوی اول، ازجمله آن‌هاست. همچنین سکونت ارامنه در مشهد و حضور خاندان‌های متمولی که فرزندانشان را برای تحصیل به اروپا می‌فرستادند، درکنار مراودات تجاری مشهد با هندوستان را می‌توان از عوامل رواج ورزش‌های نوین در این شهر دانست. بعدها نیز تأسیس مدارس جدید و الگوبرداری از اروپاییان به‌ویژه فرانسه، منجر به قرارگرفتن درس ورزش درکنار سایر دروس در مدارس جدید شد. ازآنجاکه مسابقه و رقابت، بخش جدایی‌ناپذیر ورزش‌های نوین بود، این رشته‌ها خیلی سریع جایشان را درمیان محصلان مدارس و پس از آن سایر جوانان باز کردند و آنان را به سمت ورزش‌های جدید کشاندند. در ادامه با فراگیر شدن رشته‌های مختلف ورزشی ازآنجاکه ساعت ورزش در مدارس کم بود، شور و نشاط و علاقه جوانان به ورزش، عده‌ای را به فکر ایجاد باشگاه‌های ورزشی در مشهد انداخت که نقش معلمان و مربیان ورزش مدارس در این اتفاق بسیار پررنگ بود؛ چون تنها افرادی بودند که از دید ورزشکاران، صلاحیت این کار را داشتند؛ البته از مخالفت‌ها و مقاومت‌ها هم نباید غفلت کرد. این مخالفت‌ها در مقایسه با مخالفت با فیلم، سینما، نمایش و موسیقی بسیار کمتر بود، ولی وجود داشت و رشد ورزش در شهر را با خطرهایی روبه‌رو کرده بود، با این حال «کلوپ فردوسی» به‌عنوان نخستین باشگاه ورزشی مشهد، حدود یک قرن پیش پاگرفت.

کلوپ فردوسی

بیش از یک قرن پیش، ناصر فرمان فرمایی به همراه چند جوان علاقه‌مند که شمار آن‌ها حداکثر ۲۴ نفر بود، به روایتی در سال ۱۲۹۸ خورشیدی و به روایت درست‌تر در سال ۱۳۰۱ با مشقت فراوان، چراغ ورزش را در مشهد روشن کردند و جالب اینکه این چراغ توسط فوتبالیست‌ها نور گرفت. در یادداشتی در سال ۱۳۲۸ که از حسین آموزگار (یکی از همان ۲۴ نفر) به دستمان رسیده، چنین نوشته شده است: «چند نفر از جوانان روشن‌فکر و تحصیل‌کرده خراسان به مناسبت خواندن اخبار ورزشی که جسته‌وگریخته در جراید تهران منتشر می‌شد، از وجود یک چنین ورزش دسته‌جمعی (فوتبال) که اصول آن بر پیش بردن مقصود بر روی کمک و مساعدت‌های اجتماعی گذاشته شده بود، پی بردند. خواندن این اخبار، این دوستان را وادار کرد که برای ایجاد این ورزش در خراسان با یکدیگر به مشورت بپردازند و پس از چند جلسه مشورتی، به‌وسیله آقای اصغر فرمان فرمایی، رئیس دفتر سابق بانک ملی ایران که امروز در آمریکا تشریف دارند و در آن ایام عضو دارایی خراسان [بودند] و از همان ایام با فرانسه مکاتبه داشتند، کتاب قوانین فوتبال و چند عدد توپ وارد نمود. ولی درضمن این مدت، این جمعیت بی‌کار ننشست و برای آنکه خدمتی به سایر جوانان خراسان بنماید، به فکر ایجاد انجمنی افتاد که علاوه‌بر وسایل ورزش، دارای کتابخانه و قرائت خانه نیز باشد. تأسیس یک چنین انجمنی بدون سرمایه، غیرممکن به‌نظر می‌رسید ولی همت مردانه این چند نفر جوان که عده آن‌ها از یازده نفر تجاوز نمی‌کرد، غیرممکن را ممکن نمود و ابتدا برای تأسیس آن هریک به فراخور حال، مقداری نقدا پرداخته و بعد بلیت‌های بخت‌آزمایی مختصری مثلا ۲هزار ریال درمقابل یک هزار ریال جایزه، تهیه و خود شروع به فروختن بلیت نمودند و در راه این مقصود از هیچ‌گونه فداکاری خودداری نکردند. در کمتر از یک ماه حدود ۵هزار ریال سرمایه جمع‌آوری کرده، شروع به خریدن لوازم ورزشی قدیم و جدید کرده، عمارتی را در بهترین محلات شهر مشهد (خیابان ارگ، درست پشت باغ ملی) اجاره و با نصب دستگاه‌های بارفیکس، پارالل، دستگاه‌های ژیمناستیک که دارای طناب‌های متعدد برای بالا رفتن با دست و نردبان طنابی و حلقه‌های متوازی و تاب بود، نصب می‌کنند. یکی از این وسایل ورزشی خاص، چوب‌هایی با ارتفاع نیم متر، یک متر و بیشتر هستند که روی آن جای پا نصب کرده‌اند. این چوب‌ها را ورزشکاران به‌تناسب قدرت خود زیر پا گذاشته و با کمک آن‌ها شروع به راه رفتن و انجام حرکات ورزشی می‌کنند؛ به‌ویژه اینکه مسابقه دوی آن‌ها بسیار جالب می‌شود. تاکنون هم ندیده‌ام که در باشگاه‌های ورزشی تهران، چنین عملی صورت گرفته باشد. در انجمن، کلیه وسایل ورزشی آماده شده و هر روز عصر، جوانان خراسانی در آنجا جمع و مشغول ورزش [می‌شوند] و با استفاده از کتابخانه، قرائت‌خانه و غیره وقت خود را می‌گذرانند».

باشگاه فرهنگی‌ورزشی فردوسی به این شکل پا می‌گیرد؛ باشگاهی که نه‌تنها در زمینه ورزش بلکه در امور هنری و کتاب‌خوانی نیز فعالیت می‌کرده است. مؤسسان این باشگاه که سال ۱۳۰۳ خورشیدی تشکیل شد اما افتتاح رسمی آن در سال ۱۳۰۴ بود، نیز به ترتیب محمود صبایی، حسن بهمن‌یار، طاهر بهادری، علی‌اکبر گلشن آزادی، محمدرضا کیمیاوی، احمد پارسی، محمدحسین قدوسی، حسین میلانی، اسدا... مدرس رحمانی، اوکتایی، حسین آموزگار و علی‌اکبر جهانی بوده‌اند که بدون شک نقش بسزایی در رشد ورزش‌های جدید در مشهد و حتی خراسان داشتند.

روزنامه آزادی در ۳آذر۱۳۰۴ درباره مدیر کلوپ فردوسی نوشته است: «آقای میرزامحمودخان صبایی، عضو محترم بلدیه مشهد که از جوانان دانشمند و حساس خراسان و فوق‌العاده خوش‌اخلاق، درستکار و متجدد می‌باشند، با حفظ مقام به مرخصی دوماهه، صبح پنجشنبه به طرف طهران حرکت نمودند. به قرار مسموع، مقصود عمده ایشان از این مسافرت، تهیه وسایل ورزشی ژیمناستیک و جلب معلمان در این فن برای مدارس خراسان می‌باشد. امیدواریم به‌زودی موفقانه، مراجعت نموده و خدمات ذی‌قیمت خود را به جامعه خراسان تکمیل کنند». صبایی، مدیر کلوپ فردوسی، در بازگشت از این سفر با خریداری تجهیزات ورزشی، موفق می‌شود امکانات باشگاهش را بیشتر کند. در همین سال، استاد حسین صدقیانی، اولین مربی تیم ملی ایران، پس از فوت پدرش به همراه مادر از استانبول ترکیه روانه مشهد می‌شود. صدقیانی که سابقه سه سال بازی در تیم زیر هفده سال «فنرباغچه» و تیم «آماتور راپید» اتریش را داشت، منشأ خدمات زیادی در زمان حضورش در مشهد می‌شود؛ آن‌چنان که تجاربش را در اختیار ورزشکاران مشهدی قرار می‌دهد. کیهان ورزشی در شرح زندگی او نوشته است: «همین که پس از سال‌ها دوری از میهن عزیز، دوباره به زیارت آن نائل گشت و در مشهد مقیم شد، در باشگاه فردوسی که درست سال پیش از آن تأسیس یافته بود و در آن موقع به‌وسیله آقای محمود صبایی، مؤسس، و عده دیگری از ورزش‌دوستان مشهد اداره می‌شد و جایگاه تربیتِ بهترین ورزشکاران خراسان به‌شمار می‌رفت، شروع به بازی نمود [و] مدت یک سال در آنجا تمرین می‌کرد».





چند نما از مسابقات ورزشی در مشهد، سال ۱۳۵۲ خورشیدی

کلوپ خیام

هرچند در بیشتر منابع از کلوپ انجمن فردوسی به‌عنوان اولین باشگاه ورزشی مشهد نام برده شده است، «کلوپ خیام» اولین باشگاه مشهدی است که یک سال قبل از فردوسی، یعنی سال ۱۳۰۲ تأسیس شده است؛ البته درباره کلوپ خیام و اینکه چه کسانی در تأسیس آن نقش آفریده‌اند، اطلاع چندانی در دست نیست. تنها می‌دانیم که این کلوپ در رشته ژیمناستیک و حرکات نمایشی (آکروباتیک) فعالیت می‌کرده و پس از سه سال فعالیت تعطیل شده است، اما دوباره از سال ۱۳۰۸ فعال می‌شود و با رشته‌های فوتبال، والیبال و بسکتبال ادامه حیات می‌دهد. گویا این حیات دوباره نیز دوام چندانی نمی‌آورد و از سال ۱۳۱۴ دیگر نشانی از این کلوپ به چشم نمی‌خورد. سروان رزم‌خواه، ناصر شاهرخ، مهدی شکوهی، کلاهیان، علی و محمود میلانی و امین، اعضای هیئت‌مدیره دوره دوم این باشگاه ورزشی، بوده‌اند که در خیابان ارگ قرار داشته است.

کلوپ ورزندگان

۱۶تیرماه ۱۳۰۵ در روزنامه آزادی، نویسنده با اشاره به حضورش در جشن ورزشی یکی از مدارس، ضمن نوشتن گزارش، انتقادها و پیشنهادهایی درباره ورزش با تیتر «ترقی در چیست» مطرح می‌کند. بخشی از مطلب این روزنامه را مرور می‌کنیم: «در خاتمه با کمال تأسف از احساسات ضدورزشی عامه... [امیدواریم] ورزش در تمام ایران و مدارس عمومیت یافته، بودجه صحیحی برای کار تخصیص دهند که تمام شهرهای ایران بتوانند معلمین ورزش جذب نموده، این باب ترقی به روی ایرانی‌ها باز شود، شاید قدری به شعور آمده، معنی حیات را بفهمند و نیز خشنودیم که دو کلوپ ورزش، یکی فردوسی و دیگری ورزندگان، در این شهر تأسیس شده و یک عده جوانان هر روز به بازی فوتبال و سایر اقسام ورزش مشغولند؛ چون می‌بایست از خدام و مروجین ورزش در این مقاله قدردانی کنیم، می‌گوییم آقای میرزامحمودخان صبایی که اکنون در پاریس اقامت دارند، در قسمت تعمیم ورزش جوانان این شهر و آشنا نمودن مردم با این موضوع خیلی زحمت کشیده و هرکجا هست، خدا او را سلامت داشته، سایر جوانان ما را نیز در عوض هرکاری به این قسم کارها مایل کند».

با این توصیف، «ورزندگان» را باید سومین باشگاه ورزش‌های نوین مشهد دانست که سال ۱۳۰۵ تشکیل شده و سرگرد سعید دولو، مؤسس آن بوده است. این باشگاه هرچند ویژه نظامیان بود و داخل لشکر شرق (لشکر ۷۷ فعلی) قرار داشت، به‌همراه باشگاه فردوسی، منشأ خدمات زیادی در مسیر رشد و توسعه ورزش مشهد شد. در سال‌های ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۲ که شاهد تأسیس انجمن تربیت بدنی در خراسان هستیم، با حمایت‌های سرلشکر امان ا... جهان‌بانی، فرمانده لشکر شرق (خراسان و سیستان)، این باشگاه مسابقات متعددی در رشته‌های مختلف برای ورزشکاران مشهدی برگزار کرد، به‌گونه‌ای که معمولا مسابقات بهاره را باشگاه فردوسی و مسابقات پاییزه را کلوپ ورزندگان برگزار می‌کرد. از این کلوپ با نام «نظام» و «صاحب منصبان» نیز یاد شده است.

منبع:
سالنامه ورزشی خراسان، ۱۳۲۵.
مجله خواندنی‌ها، ۱۴آبان۱۳۲۸.
مجله نیرو و راستی، ۲۵آبان۱۳۲۲ و ۸خرداد۱۳۲۵.
تاریخ فوتبال ایران، ج یک، حسین یکتا و... کیهان ورزشی، ۱۳۴۶/۲/۳۰

مشهدیات

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت صدوبیست‌وششم)

حکایت جذام‌خانه مشهد (بخش ششم و پایانی)

مرضیه ترابی| در قسمت‌های قبل گفتیم که با کاهش آلودگی جذام و پیدا شدن روش‌های درمانی مؤثر برای این بیماری مهلک، به‌تدریج ساختار جذام‌خانه در مشهد نیز دستخوش تغییر شد؛ آن‌گونه که مسئولان وقت، نیازی به وجود یک مرکز مستقل برای نگهداری جذامیان نمی‌دیدند و ازطرفی معتقد بودند می‌توان جذامیان سابق را که بیشترشان بهبود یافته بودند و فقط از معلولیت و عوارض ناشی از این بیماری رنج می‌بردند، به بیمارستان‌های دیگر منتقل کرد. تبدیل بیمارستان محراب‌خان به یک بیمارستان عمومی و انتقال جذامیان به بیمارستان‌های دیگر، ازجمله بیمارستان بوعلی (معتادین سابق) واکنش‌های تندی را درمیان بیماران به‌دنبال داشت. ازسوی دیگر این تغییرات با حوادث سال ۱۳۶۰ هم‌زمان شد و سازمان منافقین نیز از نارضایتی به وجودآمده در میان جذامیان برای ایجاد چالش و حتی اغتشاش استفاده کرد. اقدامات منافقین و بلواهای محدودی که در این زمینه پدید آمد، ادامه کار «انجمن حمایت از جذامیان» را سخت کرد، با این حال تلاش‌های انجام‌گرفته برای ایجاد رفاه بیشتر جذامیان در بیمارستان بوعلی و نیز همکاری گسترده مردم برای تأمین هزینه‌های بیمارستان و خرید تجهیزات آن، به‌تدریج وضع را عادی و زمینه رضایت بیماران را فراهم کرد. تلاش برای کاستن از آلام بیمارانی که از عوارض جذام رنج می‌بردند، نیازمند فعالیت تیم پزشکی و به‌ویژه جراحی در بیمارستان بود که هزینه این فعالیت‌ها از محل کمک‌های خیران فراهم می‌شد. این وضعیت تا حدود دوازده سال بعد، ادامه داشت.

مرحله جدید حمایت

در سال ۱۳۷۱، موضوع انتقال بیماران جذامی به بیمارستانی دیگر و تغییر کاربری بیمارستان بوعلی مطرح شد، اما هم انجمن حمایت از جذامیان و هم افراد نیکوکاری که به‌صورت مداوم از جذامیان حمایت می‌کردند، با این انتقال موافق نبودند، با این حال شرایط به‌گونه‌ای رقم خورد که درنهایت در زمان ریاست دکتر عبدا... بهرامی بر دانشگاه علوم پزشکی مشهد، بیمارستان بوعلی از جذامیان گرفته شد و ۷۵ نفر از افرادی را که بهبود یافته بودند و فقط از عوارض بیماری رنج می‌بردند، به بیمارستان طالقانی در جاده قوچان انتقال دادند، اما بقیه جذامیان حاضر به این جابه‌جایی نشدند. به این ترتیب، تلاش برای سامان‌دهی آن‌ها در یکی از مراکز درمانی مشهد آغاز شد و سرانجام این افراد نیز به بخشی از مجموعه قدیمی محراب‌خان (بیمارستان شهید هاشمی‌نژاد) انتقال یافتند. حسین سنابادی در کتاب «آستان قدس رضوی و موقوفه محراب‌خان» در توضیح این اقدام می‌نویسد: «هیچ‌کدام از شصت نفر بیمار باقی‌مانده در آن محیط، به جذام آلوده نبودند. تنها معلولیت بالای آن‌ها سبب شده بود که از آن‌ها مراقبت گردد... شش نفر از این افراد را افغانی‌ها تشکیل می‌دادند که می‌بایست به مملکت خود بازمی‌گشتند، ولی چون در افغانستان امکانات نبوده و نیست، از اعزام آن‌ها خودداری می‌گردید. تعدادی هم علاوه‌بر معلولیت جسمی، معلولیت روانی نیز داشتند؛ یعنی جزو بیماران روانی به‌شمار می‌آمدند و باید تحویل بیمارستان تخصصی خود می‌شدند. تنها ۲۵ نفر معلول واقعی وجود داشت که آن‌ها را هم بخش خصوصی می‌توانست به‌خوبی اداره کند». به این ترتیب، برنامه حمایت از آسیب‌دیدگان بیماری مهلک جذام، به ثبات نسبی رسید؛ هرچند که گرفتاری‌ها و نیازهای آن‌ها همچنان ادامه دارد و نیازمند نگاه ویژه دولت و مردم است.

خبرسوخته

جشنی برای تصویب حقوق بشر!

زینبی| شاید سابقه «سازمان ملل متحد» را خیلی قدیمی تصور کنید اما باید بدانید که این سازمان پس از جنگ جهانی دوم با هدف جلوگیری از جنگ در آینده، جایگزین «جامعه ملل» شد که به همین منظور و در جنگ جهانی اول تأسیس شده بود. ۵اردیبهشت سال ۱۳۲۴ پنجاه کشور در سانفرانسیسکو دورهم نشستند و کار تنظیم پیش‌نویس منشور سازمان ملل را آغاز کردند که دو ماه بعد به تصویب اعضا رسید. در ۲آبان ۱۳۲۴ نیز سازمان ملل با عضویت ۵۱ کشور شروع به کار کرد. تشکیل این سازمان پس از جنگی که همه کشورها را درگیر کرده بود و میلیون‌ها کشته و آواره و ویرانه‌های زیادی از خود به جای گذاشته بود، بارقه امیدی را در دل مردم دنیا روشن کرد و آن‌ها تصور کردند قرار نیست از این به بعد جنگی رخ دهد، اما جنگ فلسطینی‌ها با یهود بر سر وطنشان چند سال پس از آن آغاز شد و تاکنون ادامه دارد و سازمان ملل متحد هنوز نتوانسته است برای پایان دادن به آن کاری کند. جنگ‌های فراوان دیگری هم این میان رخ داد و سازمان ملل متحد نشان داد در پیشگیری از آن‌ها هم نقشی برعهده نمی‌گیرد؛ البته این نکته را اکنون ما می‌توانیم بر زبان بیاوریم که سابقه هفتاد و هشت ساله این سازمان را می‌دانیم. در سال‌های ابتدایی شکل‌گیری سازمان ملل برای مردمی که از جنگ و آوارگی خسته بودند، این اتفاق خوشایند بود و حتی سالگرد تأسیس آن را بزرگ می‌داشتند. سرزمینمان ایران نیز که در جنگ جهانی دوم، ناخواسته درگیر جنگ شده و مأمن اشغالگران انگلیس و شوروی شده بود و جنگ برایش جز رنج و قحطی و محنت چیزی به‌همراه نداشت، از این قاعده بیرون نیست و همواره روز سازمان ملل متحد و روز صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر را گرامی داشته است. شاهد این حرف، اخباری است که در مطبوعات دهه ۳۰ منتشر شده است. در یکی از این اخبار مربوط به تاریخ ۱۸آذر۱۳۲۸ در روزنامه آزادی می‌خوانیم: «چون روز شنبه ۱۹ماه آذر مصادف با روز مخصوص سازمان ملل متحد و صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر است و ملت ایران جزو ملل عضو سازمان ملل متحد است، در تمام شهرستان‌های ایران من جمله شهر مشهد، مراسم جشن سازمان به عمل خواهد آمد». در ۲۲آذر همان سال نیز خبر دیگری این گزارش را تکمیل می‌کند. در این خبر نیز آمده است: «عصر روز ۱۹آذرماه سال ۱۳۲۸ در کلیه دبیرستان‌های مشهد و دانشسراها و دبستان‌ها به مناسبت روز تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، مجالس سخنرانی منعقد گردیده و مدیران آموزشگاه و رؤسای دبیرستان‌ها و دبیران و آموزگاران و دانش‌آموزان در مراسم مزبور شرکت نمودند. سازمان ملل متفق در ۲۰ دسامبر ۱۹۴۸ اعلامیه حقوق بشر را که مشتمل بر سی ماده و چند تبصره الحاقی می‌باشد، آزادی و حقوق حقه بشر را به تصویب رسانیده است. با تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، قدم بزرگی در راه آزادی و حفظ صلح دنیا برداشته است».

همان‌طور که معلوم است، این جشن به خاطر تصویب حقوق بشر برگزار می‌شده است و اکنون پس از گذشت بیش از هفتاد سال از تصویب آن، می‌توان درباره‌اش قضاوت کرد و گفت این بیانیه تا چه اندازه توانسته است ظلم را در جامعه بشری متوقف کند.